

نشریه دیده بان

سه شنبه ۱۴ آبان ۱۳۹۸ ۷ ربیع الاول ۱۴۴۱ ۵ نوامبر ۲۰۱۹

- مدیر مسول: احسان زارع
- سردبیر: احمد رضا مهنایی
- تایپست: مهدی عابدی
- ویراستار: حافظ یزدانی
- صفحه آرا: عبدالحسین

آیا گمان کرده‌اید که به بهشت داخل شوید بدون امتحاناتی که پیش از شما بر گذشتگان آمد؟ که بر آنان رنج و سختیها رسید و همواره پریشان خاطر و هراسان بودند تا آن گاه که رسول و گروندگان با او (از خدا مدد خواستند و) گفتند: بار خدایا، کی ما را یاری کنی؟ (در آن حال خطاب شد: بشارت دهد که) هان! همانا یاری خدا نزدیک است

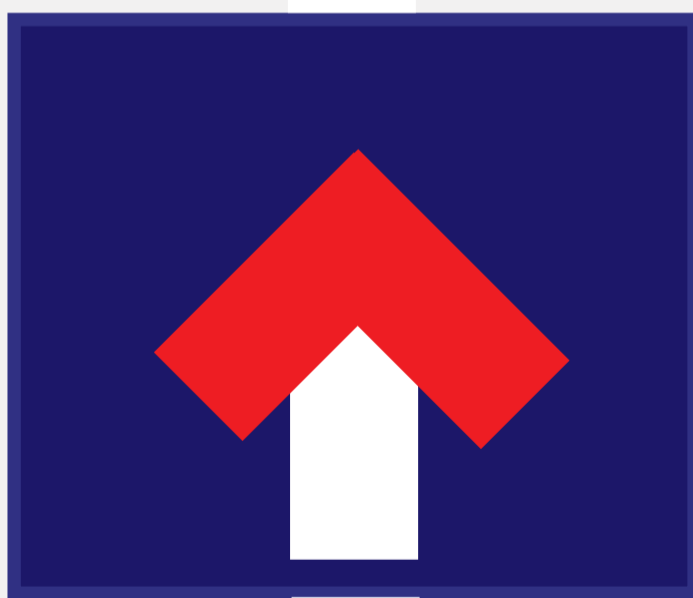
أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسْتَهْمِبًا وَالضَّرَّاءُ وَالزَّلْزَلَةُ حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصُرُ اللَّهُ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ

صحبت ما سر این است که، ما دانشجویان، چه موافق کاری که کردند باشیم، چه نباشیم، ۹۸ درصد از آن دانشجویان صفاتی داشتند که ما نداریم. بهتر عرض کنم؛ ما در ۹۸ درصد اوقات مان نداریم: یک-شهامت اجرایی کردن ایده شان را داشتند. درست یا غلط، عمل کردند. به یک کامنت و پست مطالبه‌گرانه اکتفا نکردند

دو-غیرت داشتند. همانند آن فرد ارمنی که به جبهه رفته بود. آن ارمنی نگفت: اگر من بروم به جبهه و دفاع مقدس پیروز شود، در این کشور اسلام تثبیت می شود. گفت اگر من نروم دیگر ایرانی نخواهد بود

قطعا الان جملاتی در ذهن متبادر می شود، مانند: نمیذارن کسی تو این کشور کار کنه؛ نمیخوان این کشور جون بگیره؛ تا میای فعالیت بکنی، سریع ستاره دارت می کنن و آینده را تباه اونایی که تو این کشور مسئول هستن و پول میگیرن و... چیکار می کنن پس؟! قطعاً هم چنین جملاتی توی ذهن اون دانشجویها آمده بود. قطعاً در ذهن اون فرد ارمنی آمده بود. قطعاً مرحوم کاظمی آشتیانی وقتی بذر رویان را داشت در دل خاک مدفون می کرد، این جملات در ذهنش آمده بود. قطعاً اون هم بعد از این همه درس خوندن و زحمت کشیدن، گزینه مهاجرت به خارج و کار علمی بی دغدغه و سنگ اندازی و کمک به جامعه علمی دنیا و بشریت پیش رویش بود، ولی مرد بود. شاید این جمله شهید تهرانی مقدم هم به ذهن ایشان متبادر شده بود: فقط انسانهای ضعیف به اندازه امکانات شون کار می کنند. تمام سختی ها و نامردمی هایی که توی کار کردن توی کشورمون هست رو یکی از چند صدباری در نظر بگیر که آقای ادیسون تلاش کرد لامپ اختراع کنه و نشد، ولی بالاخره شد. مگه رویان بالاخره ثمر نداد. کافیه ایمان داشته باشیم. شهامت اجرایی کردن و ایستادن در مسیر داشته باشیم. یک راهی رو بستند، از راه دیگه ای شروع کنیم به لطف خدا. یادمون باشه ما جوان هستیم، دانشجو هستیم. تمام کشور امیدشون به ماست و باید باشه. ساده ترین کار یک پست ساده توی اینستاگرام و راجع به دزدی ها و رانت ها و... هست. الان عمل مون، با کار علمی مون به لطف خدا باید دست به کار بشیم. لطفاً همین الان نگین: کار کو؟ کار به جوون ها نمیدن و... به نگاه بندازیم به سر گذشت بابک بختیاری، مرحوم طاهره جوان و... تو همین وانفسای اقتصادی شکوفا شدن. یا علی

شما اگر فرد اول یکی از بزرگ ترین تمدن های تاریخ بشری باشید و از آن ریاست، به تکه نانی و کاسه شیری در روز قناعت کنید، در تاریکی های شب، ناشناس، هر چه که دارید را به آنها بی که پدر ندارند، آنها بی که چیزی ندارند، بدهید، باز هم موقع رفتن از این دنیا کسانی هستند که از محراب بندگی رفتن شما تعجب کنند... حتی کسانی پیدا می شوند که از فرط حسادت، مغز های کوچک شان به دهان های بزرگ شان دستور دهد: به آن مرد پاک، به آن مرد ممبر، به آن ممبر هایی که باید جای حق گویی باشد، دشنام دهند... و چه سخت است صد سال، فرزندان پاک آن مرد، فرزندان مرد آن مرد، برای اعتلا و در واقع ابقای مکتب شان، در آن مجلس شرکت می کردند و دشنام می شنیدند... این مقدمه برای آن بود که عرض کنم اگر شما مولی الموحدين، امیر المومنین امام علی(ع) هم باشید همیشه مخالف و معاند خواهید داشت و هیچ گاه رفتارها و عملکردهای شما مورد رضایت و حداقل موافقت همه نخواهد بود. چهل سال پیش تعدادی دانشجو، سفارت ایالات متحده آمریکا را تسخیر کردند. اگر عمل آنها را کاملاً علوی در نظر بگیریم، بر اساس قاعده بالا و گواه تاریخ نباید برای ما سخت باشد پذیریم که از دید عده ای، این عمل اشتباه بوده است. و همین طور آن روی سکه، اگر عمل آنها را کاملاً اشتباه بیندازیم، اینکه عده ای آن عمل را صحیح بیندارند عجیب نیست. بنابراین اگر عمل آنها هر درجه ای از درستی را که دارا باشد، تعدادی موافق و تعدادی مخالف خواهد داشت. از این نکته به نسبت نمیروسیم. این طور نیست که حالا که هر عملی که از دید من صحیح است از دید دیگری ناصحیح، قضاوت را به خرد جمعی (دموکراسی) واگذار کنیم که منطقی ترین باشد. ما معتقدیم که اخلاق و گزاره های اخلاقی مطلق اند. این طور نیست که نیکی به والدین چون خرد جمعی گفته خوب است، خوب باشد و ما چون جامعه می گوید به والدینت نیکی کن، به پدر و مادرمان نیکی می کنیم. نیکی به والدین ذاتاً (مطلقاً) خوب است و حتی اگر تمام جامعه بگوید بد است، باز هم فطرت ما می گوید خوب است و انجامش میدهم چون فطرت ما از جنس همان امور مطلق است. برای همین است که این مسائل را نمی توان به خرد جمعی سپرد. قطعاً این قسمت نیاز به تحلیل بیشتر دارد، اما چون تمرکزمان را می خواهیم روی نقطه ی دیگری بگذاریم، با عرض پوزش از این قسمت عبور می کنیم



عبور
مسیر بن بست

بارها گفته ایم، ما البته مشکل داریم! مسئولین هم به قدر توان خودشان دنبال حل این مشکلات هستند. اما مهم اینست که ما در کشور بن بست نداریم. این، بصیرت، همت، آمادگی، و کمر بستگی می خواهد؛ که ملت ایران این را دارد؛ این بزرگترین نقطه قوت کشور ما است.

سید علی خامنه ای

باز هم fatf

به قول یکی از فعالین سیاسی کشور:پارسال حتی شب ها هم خواب fatf می دیدیم اکنون اما تقریبا یک سال پس از شروع جار و جنجال های دولتی ها و طرفداران آنها برای باز کردن پای اف ای تی اف به کشور و کشمکش ها و دعواهای چند ماهه برای پیوستن یا نپیوستن کشورمان به آن، و از طب و تاب افتادن آن در چند ماه اخیر در فضای کشور، اکنون باز شاهد مطرح شدن آن از زبان مسئولان دولتی هستیم. مسئولانی که گاه حتی برای توجیح حرف های خود دست به دامن اظهارات غیر واقعی می شوند با به بن بست رسیدن سیاست ها و برنامه های دولت از یک طرف،شرایط بد و نامطلوب اقتصادی و رکود و تورم در بسیاری از بازار ها و حوزه های کسب و کار اکنون شاهد آن هستیم که سیاست گذاران و برنامه ریزان کشور به جای آنکه به فکر تغییر رویه ای اساسی در تصمیمات و برنامه های خود باشند، به پیروی از همان مسلک گذشته ،به دنبال حل شدن هر چه بیشتر در نظام های جهانی هستند. ادغام شدنی که دیگر به یک برنامه و طرح از قبل برنامه ریزی شده و حساب شده شبیه نیست، بلکه بیشتر به یک قمار شباهت پیدا کرده و قمارباز این بازی میخواهد هر آنچه را که دارد وسط بگذارد تا بتواند امتیازی از طرف های غربی بدست آورد اکنون در حال نزدیک شدن به برگزاری انتخابات مجلس شورای اسلامی هستیم و بیشتر از چند ماه تا برگزاری این انتخابات فاصله نداریم. مجلس ، ارگانی است که نمایندگان مردم در آن باید علاوه بر قانون گذاری، نه تنها بر تشکیل کابینه دولت نظر بدهند بلکه برعملکرد دولت نیز نظارت کرده و نه تنها حق سوال کردن از وزرا و رئیس جمهور را دارند، بلکه می توانند در مواقع لزوم آنها را استیضاح کرده و حتی رئیس دولت را کنار بگذارند.با نزدیک شدن این انتخابات کم کم به زمان پاسخگویی دولت دوازدهم و مجلس همسوی آن نزدیک می شویم. در شرایط کنونی دولتی ها خطر انتخاب شدن مجلسی با اکثریت مخالف خود را به شدت احساس می کنند. مجلسی که در صورت انتخاب شدن، اصلا برای ”اهالی قدرت“ جذاب نیست. طبیعتا با توجه به کارنامه خالی آنها در عرصه اجرا باید منتظر ”فرار های رو به جلویی بود“ که اکنون برخی ها در انجام آن ”استاد“ شده اند. یکی از بهترین مواردی که می توان بر روی آن دست گذاشت، می تواند همین اجرایی نشدن این لایحه باشد. پس تا روزهای باقی مانده به انتخابات از انداختن تمامی تقصیرات کشور بر گردن منتقدان fatf و برجام تعجب نکنید در شرایطی که رشد اقتصادی کشور عدد های منفی را به خود گرفته و رکود مطلق بر بسیاری از حوزه ها از جمله بازار مسکن (که جزو نیاز های اساسی هر شخصی است) سایه انداخته است و در شرایطی که دولت با برداشت از صندوق توسعه ملی و صندوق ذخیره ارزی، به دنبال جبران کسری بودجه ۱۵۰ هزار میلیارد تومانی خود است، کم کم شاهد آن هستیم که دولتی ها به جای پاسخگو بودن در قبال برنامه ها و سیاست های اقتصادی ۶ ساله ی خود، با جلوه دادن مسائلی مثل: ”اجرایی نشدن fatf ” و ”به شکست کشاندن برجام توسط تدروهای داخلی“ به عنوان مقصر شماره یک تمامی مشکلات به دنبال فرار رو به جلو و انداختن تمامی تقصیرات بر گردن مخالفان خود هستند. ولی به وضوح میتوانیم خلاف واقع بودن تمامی این موارد را ببینیم با توجه به آمارهای رسمی، اقتصاد ایران در حال دست و پنجه نرم کردن با نقدینگی سالانه ۲۰ تا ۲۵ درصدی است. این رقم تولید نقدینگی کشور، چه به صورت چاپ پول توسط بانک مرکزی و چه به صورت خلق پول توسط بانک ها، رقم بسیار بالایی است.در حال حاضر طبق برآورد ها رقم نقدینگی کشور به ۲۰۰۰ هزار میلیارد تومان رسیده است و در هر روزی که سپری می کنیم ۱۰۰۰ تا ۱۲۰۰ میلیارد تومان دیگر به این سیل نقدینگی اضافه می شود. سیل پولی که گاه به بازار دلار و طلا سرریز شده و گاه بازار مسکن و خودرو را درمی نوردد.از نظر اقتصادی با افزایش نقدینگی در هر جامعه، میزان تقاضا برای کالاها افزایش و وقتی عرضه ثابت باشد، این افزایش تقاضا با افزایش قیمت همراه خواهد بود.از طرفی افزایش نقدینگی و ثابت ماندن(و یا حتی کم شدن) پشتوانه پول کشور را می توان دلیل اصلی ”کاهش ارزش پول ملی“ کشور دانست.از طرفی دیگر شاهد مشکلات بسیار زیادی در حوزه تولید هستیم. در حالی که کشورهای همسایه ایران با بازار ۶۰۰ میلیون نفری خود، بازار بسیار مناسبی برای عرضه و فروش محصولات تولید ایران هستند که می توانند علاوه بر اشتغال زایی برای ایرانیان بیشمار، درآمدهای ارزی بسیار بالایی را برای کشور به ارمغان بیاورند، مسئولان ما همچنان به دنبال راضی نگه داشتن اروپایی هایی هستند که سالانه میلیاردها دلار با آمریکا رابطه تجاری دارند اکنون راحت تر می توانیم دلیل یک چهارم شدن ارزش ریال را درک کنیم. ولی آیا تا به حال دیده اید که یکی مسئولان اقتصادی کشور، از این سیل نقدینگی حرفی بزند و یا برای مهار رشد آن برنامه ای ارائه دهد؟آیا تا به حال شنیده اید که یکی از مسئولان کشور اعتراضی به میزان خلق پول بانک ها کند؟

دندان درد

اگر در فضای مجازی موضوعاتی از قبیل گرانترین رشته ی دانشگاهی و یا پرهزینه ترین رشته دانشگاهی را جست و جو کنید با نتایجی رو به رو خواهید شد که غالبا رشته دندان پزشکی را به عنوان رشته ای با بالاترین شهریه و هزینه های دوران تحصیل معرفی می کند. تحصیل در این رشته در کشور ما نیز از این قاعده مستثنی نیست. هرچند که به یمن وجود قانون اساسی کشور مبنی بر تحصیل رایگان، همچنان تحصیل در این رشته در کشور ما برای دانشجویان دانشگاه های دولتی هزینه هایی در بر دارد یکی از دلایل بالا بودن هزینه تحصیل در این رشته، قیمت بالای تجهیزات و موادمصرفی حیطه دندانپزشکی می باشد.
بالتبع دانشکده های دندانپزشکی نیز از بالا بودن هزینه ها در امان نیستند، بلکه گاها به ناچار و به دلیل عدم امکان خرید نقدی با قیمت های چند برابر عرف رو به رو می شوند که به ناچار در برابر قیمت های بالا سر تعظیم فرود می آورند. اما نتیجه این هزینه چیزی جز کمبود بودجه نمی باشد.
نتایجی که کمبود بودجه در پی دارد در ابعاد مختلفی از قبیل واگذاری خرید برخی از اقلام مصرفی بر عهده دانشجویان، عدم امکان خرید به موقع تجهیزات و کالاهای مصرفی و متعاقبا کاهش کیفیت و کمیت خدمات در مراکز آموزشی و درمانی می باشد.
همچنین کمبود بودجه عدم امکان سرویس و تعمیر به موقع تجهیزات ناکافی فعلی را نیز در بر دارد.
مدیریت دانشگاهی راه دیگری نیز برای جبران کمبود بودجه در پیش گرفته است و آن اخذ دانشجویی تحصیلات تکمیلی می باشد. اما با یک محاسبه ی مختصر می توان پی برد که بودجه ی تامین شده از تعداد کثیر این دانشجویان در مراکز آموزشی دندانپزشکی هزینه نمی شود. البته نباید نقش فرساینده مدیریت ضعیف بودجه را در این هدر رفت منابع مالی نادیده گرفت.
در سال های اخیر بحث کاهش کیفیت آموزش به وفور در فضای رسانه مطرح می شود. در یک بررسی میدانی و با یک نظر سطحی می توان دلایلی را برای این بحران در نظام آموزش پزشکی از قبیل عدم تعهد برخی از اساتید، ناکارامدی و چشم پوشی سیستم نظارتی، پذیرش دانشجو فراتر از ظرفیت سیستم آموزشی، مدیریت ضعیف منابع و ضعف شدید در الویت بندی هزینه ها را نام برد.
هرچند که این مشکلات در تمامی پیکره سیستم درمان مشهود است اما اختصاص بخش غالب بودجه به مواد مصرفی دانشکده های دندانپزشکی را از سایر بخش ها متمایز می کند. شاید بتوان با سیستم نظارتی قوی تر و عدم واگذاری مدیریت مالی به افراد غیرکارشناس در حوزه دندانپزشکی هدر رفت هزینه ها را کاهش و کارآمدی هزینه ها و اثربخشی آن را بیشتر کرد.علاوه بر هزینه ها مشکلات دیگری نیز گریبان گیر سیستم آموزشی می باشد. متأسفانه ساز و کار مناسبی برای ارزیابی از اساتید وجود ندارد. همچنین مشاهده می شود که گاها اساتید در ساعات مقرر در بخش حضور ندارند و یا اینکه بخش را زودتر از زمان پایان بخش ترک می کنند. هرچند که وجود اساتید به شدت منظم نیز قابل انکار نمی باشد اما سخت گیری آموزشی با عدم نظارت کافی بر هیئت علمی همخوانی ندارد.
نقص هایی هم در قوانین و آیین نامه ها وجود دارد که البته نیازمند ارزیابی فنی دقیق می باشد. اما شاید برای دانشجویان سوالاتی مطرح شود که چرا دانشجویان تکمیلی از رعایت اصل همیناز و پیش نیاز در اخذ واحد های درسی، گذراندن علوم پایه و حتی گذراندن دوران طرح مستثنی هستند. دانشجویانی که با رتبه های کنکور چند رقمی و گاها بدون سابقه شرکت در آزمون سراسری و تنها با گذراندن سی واحد درسی در دانشگاه های سطح چندم خارج از کشور، به مقطع بالینی راه پیدا کرده اند و بدون کوچکترین شایستگی مسیر فارغ التحصیلی را طی میکنند به تنهایی و بدون هیچ استثنا آموزشی مصداق بارز بی عدالتی آموزشی می باشند و تبعات این روند در سالیان نه چندان دور گریبان گیر سیستم درمان و سلامت جامعه می باشد.شاید بلندپروازانه به نظر برسد اما واگذاری بخشی از مدیریت به اتاق فکر ها و کانون های دانشجویی شاید فرصتی مناسب برای تربیت مدیران کارآمد و همچنین بهبود فضای فعلی باشد.
با نگاهی ژرف در نمونه های فعالیت اجرایی دانشجویان اعم از مدیریت سمینارها و کنگره ها و همچنین اردوهای جهادی می توان گوشه ای از کارآمدی ذهن خلاق دانشجویان را مشاهده نمود. امید است که با اعتماد به جوانان مسیر پیشرفت علمی کشور را هموارتر شود

سلام بر اربعین حسین

سلام بر گونه های آفتاب سوخته و پاهای تاول زده زائران امام عشق، همانانکه علم به دوش با پاهای برهنه همقدم با امام غائبشان مسیر بهشت خدا بر روی زمین را پیمودند.. آنانکه مست پیاله های ناب چای سنگین عراقی شدند و پروانه وار در دایره عشق حسین (ع) سوختند... زبان زائران از توصیف این حماسه قاصر است و فهم مخاطب از درکش عاجز. و بزرگی چه زیبا فرمود که جبرائیل امین هم آن روز ها جامه نوکری بر تن داشت و در جاده عشق ندای هلا بیکم یا زوار سر می داد.. آنطرف تر طنین دل انگیز نوحه های حاج میثم از موکب های ایرانی و عراقی به گوش می رسید که میخواند:کنار قدم های جابر... سوی نینوا رهسپاریم... ستون های این جاده را ما به شوق حرم می‌شماریم... براستی کدام حقیقت زنده ای است که خیل عظیم زائران را از گوشه کنار دنیا به جاده های منتهی به حرم روانه ساخته... آهای رفیق... باخودتم... آره باخود خودت. میان این همه سیل بلا تنها کشتی حسین (ع) است که تورا نجات می دهد، شعار نیست برای یک مرتبه هم که شده خودت امتحان کن وقتیکه به هردلیلی دلت از دنیا و آدم هایش گرفت و گوشه تاریک اتاقت نشستی و اشک آرام آرام از گوشه چشمانت جاری شد بدان که اکسیر عشق حسین دستگیرت می شود و غمش به تو عزت می بخشد .منتظر چه هستی...اگر در این سکوت شلوغ دنیا نفست بند آمده با تمام توانت به سوی حسین(ع) فرار کن...اما...دلم می‌سوزد به حال آنانکه از این باده لبی تر نکرده اند و حلوای محبت آقایمان را نچشیده اند همانانکه تنها در ایام محرم و اربعین دایه مهربان تر از مادر می شوند برای فقرا و مستمندان و دائم در گوشمان می‌خوانند به جای این کار ها به نیازمندان کمک کنید...پاسخم ...را در سه بند خلاصه کنم باشد که از خواب غفلت بیدار شوند یک-موکب داران اربعین و بانیان مجالس اباعبدالله شیعیانی هستند که پیرو مولایمان علی (ع) در طول عمر خویش همیشه دستگیر نیازمندان هستن دو-اطعام محرم و اربعین سفره فقیر است برای فقیر. یادم می آیند آنانکه متاعی جهت نذورات نداشتند قامت خود را سایه بان زائران می کردند تا اینگونه ارادت و عشق خودشان را به امام حسین (ع) نشان دهند سه-بد نیست اندکی از مخارج بیهوده و سفر های تفریحی کانادا و کالیفرنیا و آنتالیا کاسته شود تا بتوانیم از مستمندان دستگیری کنیم

چشمان بیدار

اگر در سنگر خوابت برد معنایش این نیست که دشمن هم خوابش برده بعضی ها از اسم جنگ بدشان می آید؛تا گفته می شود جنگ نرم یا جنگ اقتصادی یا جنگ تبلیغاتی، اینها بدشان می آید))!می گویند))((آقا چرا اینقدر از جنگ صحبت می کنید خب جنگ هست.این غفلت ما است که اگر چنانچه دشمن متوجه ما باشد- جبهه دشمن به طرف ما نشانه گرفته چه تیرهای خودش را پرتاب کند-ما غافل باشیم.امیرالمومنین فرمود: ((مَن نامَ لم یُنم عَنه)) ؛شما اگر در سنگر خوابت بردمعنایش این نیست که طرف مقابل شما و دشمن شما هم خوابش برده؛مواظب شما است؛ او مراقب شما است؛ او منتظر است که شما خوابت ببرد از اسم جنگ که انسان نباید خوف کند؛خب دشمن الان در حال جنگ است؛جنگ، جنگ نظامی نیست-البته جنگ نظامی نمی کنند، غلط هم می کنند اگر بخواهند بکنند-اما جنگ هست، جنگ نرم هست،جنگ هایی هست که از جنگ نظامی خطرناک تر است؛دشمن در حال جنگ با ما است